

The role of Muslim doctors in the development of medicine in the framework of Islamic law

Seyedeh Mahshid Miri Balajorshari (PhD student)^{1*}, Amirreza Mahmoudi (PhD)¹,

Meghdad Ebrahimi Kooshali (PhD)²

1. Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

2. Department of Islamic Education, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

ABSTRACT

Article Type:
Research Paper

Background and aim: Medicine is one of the main aspects of science in the golden era of Islamic civilization, which has taken a special form using Islamic verses and traditions. Today, the world owes to the efforts of Muslim doctors. The activities of Muslim doctors throughout history have been influential in various aspects of medical science. Since the time of Prophet Muhammad and then during the period of Islamic caliphates and the intersection of Islamic civilization with the empires of that time such as Sassanids, Seljuks and Ottomans, medical science flourished in the heart of Islam. The purpose of this article is to explain the role of Muslim doctors in the development of medicine in the framework of Islamic law. In this regard, the historical course of the activities of Muslim doctors in different periods has been described.

Materials and methods: In this article, a theoretical method with a descriptive analytical approach and using library resources, including articles and books, has been used.

Findings: In Islam, law and health are closely related to each other, and maintaining and promoting health is one of the main goals of Islamic law. Paying attention to individual and community health and providing health and treatment services in a fair manner is emphasized in Islam.

Conclusion: The process of medical development in Islam without paying attention to the matters stated in the Qur'an and Sunnah regarding health and medical science will be futile. In order to develop medicine in the framework of Islamic law, we should pay special attention to verses and traditions in the field of medicine.

Keywords: Muslim doctors, Medical development, Health, Islamic law

Received:

1 Apr. 2024

Revised:

30 Nov. 2024

Accepted:

8 Dec. 2024

Published Online:

16 Dec. 2024

Cite this article: Miri Balajorshari SM, Mahmoudi A, Ebrahimi Kooshali M. The role of Muslim doctors in the development of medicine in the framework of Islamic law. Islam and Health Journal. 2024; 9(2): 15-23.



© The Author(s).

Publisher: Babol University of Medical Sciences

*Corresponding Author: Seyedeh Mahshid Miri Balajorshari

Address: Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

E-mail: mahshid.miri.id@gmail.com

نقش پزشکان مسلمان در توسعه پزشکی در چارچوب حقوق اسلامی

سیده مهشید میری بالاجورشری (PhD student)^{۱*}، امیررضا محمودی (PhD)^۱، مقداد ابراهیمی کوشالی (PhD)^۲

۱. گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

۲. گروه معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی سابقه و هدف: طب یا پزشکی یکی از جنبه‌های اصلی علم در دوران طلایی تمدن اسلامی می‌باشد که با بهره‌گیری از آیات و روایات شکیلی بخصوص بخود گرفته است، به‌طوری که جهان امروزه مدیون تلاش‌های پزشکان مسلمان می‌باشد. فعالیت‌های پزشکان مسلمان در طول تاریخ در جنبه‌های مختلف علم پزشکی تاثیرگذار بوده است. از زمان پیغمبر اسلام و سپس در دوره خلافت‌های اسلامی و تلاحی تمدن اسلامی با امپراطوری‌های آن زمان مثل ساسانیان، سلجوقیان و عثمانیان باعث شکوفایی علم پزشکی در بطن اسلام شده است. هدف از این مقاله تبیین نقش پزشکان مسلمان در توسعه پزشکی در چارچوب حقوق اسلامی می‌باشد و در این راستا سیر تاریخی فعالیت‌های پزشکان مسلمان در دوره‌های مختلف بیان شده است. مواد و روش‌ها: در این مقاله از روش نظری با شیوه توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای اعم از مقالات و کتب استفاده شده است. یافته‌ها: در اسلام، حقوق و سلامت به شکل نزدیکی به یکدیگر مرتبط هستند و حفظ سلامت و ارتقای آن از جمله اهداف اصلی حقوق اسلامی است. توجه به سلامت فردی و اجتماعی و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به صورت عادلانه در اسلام تأکید شده است. نتیجه‌گیری: با مطالعه منابع به این نتیجه رسیدیم که فرایند توسعه پزشکی در اسلام بدون توجه به مواردی که در قرآن و سنت در رابطه با بهداشت و علم پزشکی بیان شده است امری عبث خواهد بود و برای اینکه بتوانیم از توسعه پزشکی در قالب حقوق اسلامی صحبت کنیم بایستی به آیات و روایات در حوزه پزشکی توجه ویژه‌ای داشته باشیم. واژگان کلیدی: پزشکان مسلمان، توسعه پزشکی، سلامت، حقوق اسلامی	۱۴۰۳/۱/۱۳ ویرایش: ۱۴۰۳/۹/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۸ انتشار: ۱۴۰۳/۹/۲۶
---	--

استناد: سیده مهشید میری بالاجورشری، امیررضا محمودی، مقداد ابراهیمی کوشالی. نقش پزشکان مسلمان در توسعه پزشکی در چارچوب حقوق اسلامی. نشریه اسلام و سلامت. ۱۴۰۳؛ ۹(۲): ۱۵-۲۳.



© The Author(s)

Publisher: Babol University of Medical Sciences

* مسئول مقاله: سیده مهشید میری بالاجورشری

آدرس: گیلان، لاهیجان، انتهای خیابان شقایق، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق.

رایانامه: mahshid.miri.id@gmail.com

مقدمه

دین اسلام یک دین کامل است که با نظام اعتقادی، اصول اجتماعی و مفهوم اخلاق جهانی، به زندگی اجتماعی انسان‌ها کمک می‌کند. اسلام اصول و مفاهیمی را برای داشتن یک زندگی سعادتمند ارائه می‌کند که از جمله این مفاهیم حفظ سلامتی است؛ زیرا اگر افراد از نظر روحی و جسمی سالم نباشند، نمی‌توانند به درستی وظایف اسلام را انجام دهند.

سلامت، یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشر، در طول تاریخ بشریت بوده است. به همین دلیل است که در طول تاریخ، هیچ شاخه‌ای از علم به اندازه علم پزشکی مورد توجه قرار نگرفته است. در اسلام، سلامت و پزشکی به عنوان جزئی از زندگی انسان مورد توجه و اهمیت قرار می‌گیرد. پیامبر اسلام به سلامتی انسان‌ها بسیار توجه می‌کردند. اطلاعات اولیه در مورد حفظ سلامت و درمان بیماری‌ها در قرآن و سنت مشهود است. سخنان و توصیه‌های پزشکی نقل شده از پیامبر، جمع‌آوری شده و به عنوان طب نبوی شناخته می‌شود.

طب نبوی مجموعه‌ای از دستورات پزشکی است که توسط مسلمانان با استفاده از آیات قرآن و شیوه‌ی زندگی رسول اکرم (ص) جمع‌آوری شده بود. در دورانی که پیامبر اسلام زندگی می‌کرد، پزشکان معروفی در عربستان وجود داشتند و پیامبر با آن‌ها تعامل داشت. پیامبر اسلام (ص) به بیماران توصیه می‌کرد که به پزشکان مراجعه کنند و دانستن این امر که شفا از جانب خداست، درمان لازم را انجام دهند. علاوه بر آن، پیامبر اسلام درباره برخی بیماری‌ها توصیه‌های خاصی داشت. پس از رحلت پیامبر، به دلیل گسترش سرزمین‌های اسلامی و آشنایی مسلمانان با فرهنگ‌های مختلف، در حوزه علم پزشکی پیشرفت‌های زیادی رخ داد. ترجمه کتب پزشکی ملل مختلف به زبان عربی، خدمت پزشکان از ملیت‌های مختلف در شهرهای مسلمان‌نشین و تأسیس مدارس کوچک پزشکی در دوره امویان صورت گرفت.

در دوران حکومت عباسیان، بسیاری از کتب پزشکی غربی به زبان عربی ترجمه شدند. در این دوره، فعالیت‌ها برای تأسیس بیمارستان‌ها شتاب گرفت و بسیاری از دانشکده‌های پزشکی و هزاران بیمارستان تأسیس شد. پیشرفت‌های حوزه سلامت و پزشکی در دوران سلجوقیان و عثمانیان نیز ادامه یافت. بیمارستان‌ها و مدارس پزشکی با نام‌هایی مانند: بیمارستان، بیمارخانه، تیمارخانه، دارالشفا، دارالطب، شفاخانه، دارالصحه، دارالعافیه گسترش یافتند. در این پژوهش سعی بر آن است تا به ارتباط حقوق اسلامی با سلامت و پزشکی و پیشرفت‌های این حوزه در طول تاریخ اسلام پرداخته شود.

خداوند متعال انسان را به عنوان ارزشمندترین موجود کائنات خلق کرده و به او نعمت‌های بی‌شماری بخشیده است. بدون شک، بزرگترین نعمت برای انسان، سلامتی عقل و جسم اوست. هماهنگی کارکرد عقل و جسم انسان، عامل اصلی برای شادی و برتری او به عنوان یک انسان خوشبخت و مسلمان می‌باشد.

دین مبین اسلام اصولی را تعیین کرده است تا انسان بتواند مطابق با هدف خلقت زندگی کند. در راستای این اصول، بعضی امور را به مردم سفارش می‌کند و بعضی امور را نهی می‌کند. هدف اصلی اسلام مانند همه ادیان آسمانی، تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان است. در دین وقتی چیزی حرام دانسته می‌شود، دلایل و حکمت‌های زیادی برای آن وجود دارد. این حکمت‌ها بعضاً قابل درک هستند و بعضاً نیز غیرقابل درک. حتی اگر متوجه این حکمت‌ها شویم، اعتقاد داشتن به درستی و سودمندی آن‌ها وظیفه عبادی مسلمانان است.

مؤمن باور دارد که در کاری که خداوند آن را تحریم نموده است، مضراتی برای انسان، جامعه یا محیط وجود دارد و باید از این مضرات جلوگیری شود؛ زیرا در دین، جلوگیری از ضرر مقدم بر تأمین منفعت است. به عنوان مثال، یکی از اصول اساسی در تعیین حلال و حرام بودن غذاها، ملاک فایده و زیان است. در واقع، اگر ضرر بیشتر از فایده باشد، مانند الکل و مواد مخدر، آن ماده ممنوع است.

انسان برای انجام وظایفی مانند عبادت و اعمال خیر، در درجه اول باید از سلامت روحی و جسمی برخوردار باشد؛ بنابراین دوری از هر چیزی که به سلامتی آسیب می‌زند یک وظیفه شرعی است. خداوند متعال در آیه ۱۹۵ سوره بقره در این باره می‌فرماید: «به دست خود، سلامتی خود را به خطر نیندازید». همچنین، پیامبر اسلام (ص) وقتی درباره دو نعمتی که بسیاری از انسان‌ها از آن‌ها غافل هستند صحبت می‌کند، این دو نعمت را به ترتیب سلامتی و اوقات فراغت معرفی می‌کند. همچنین، پیامبر (ص) در این زمینه توصیه می‌کند که قبل از مبتلا شدن به بیماری ارزش سلامتی، قبل از مرگ ارزش زندگی، قبل از پیر شدن ارزش جوانی، قبل از مشغول شدن ارزش اوقات فراغت و قبل از فقر ارزش ثروت را بشناسیم و قدردان آن باشیم (۱).

تلاش برای حفظ سلامتی به عنوان یک وظیفه دینی محسوب می‌شود. در این راستا، اسلام هر چیزی را که به سلامت انسان، حیوانات و محیط زیست آسیب برساند، حرام دانسته است، ممنوعیت مصرف الکل و مواد مخدر، ممنوعیت خوردن گوشت جانوران مرده و خون، همگی به منظور حفظ سلامتی ذهن و بدن انسان است. همچنین، مضرات این غذاها برای سلامتی با اطلاعات علمی نیز اثبات شده است (۱). علاوه بر این، اسلام به حفظ سلامتی انسان‌ها بسیار توجه کرده است. برای مثال وضو و غسل که برای انجام عبادات، شستشوی دست‌ها قبل و بعد از غذا خوردن، تمیز کردن دندان‌ها به‌طور مکرر و کوتاه کردن ناخن‌های بلند نشان از اهمیتی است که اسلام برای سلامتی قائل است.

همان‌طور که حفظ سلامتی اهمیت دارد، در صورت بیمار شدن نیز درمان بسیار مهم است. اسلام دین پزشکی نیست، اما به حفظ سلامتی ذهن و بدن اشاره می‌کند و بر تغذیه متعادل و مصرف مواد غذایی حلال و پاک تأکید می‌کند. از این منظر، در دیدگاه اسلام، خوردن بیش از حد یا خوردن کمتر از حد مضر شمرده می‌شود.

در قرآن کریم نیز به مواد غذایی مفید برای سلامتی اشاره شده است، مانند گوشت، شیر، ماهی و همچنین میوه‌ها، سبزیجات، غلات، خرما، انگور، گندم، سیر، خیار، عدس، انار، زیتون و انجیر. پیامبر اسلام به حفظ سلامتی افراد در مواجهه با بیماری‌های واگیر توجه ویژه‌ای داشته است. او توصیه می‌کند که در صورت وقوع بیماری واگیر، افراد باید از ورود به محل بیماری خودداری کنند، در صورت حضور در آنجا، از آنجا خارج نشوند. این تدابیر به منظور جلوگیری از انتشار بیماری و تأمین سلامتی جامعه است. همچنین، پیامبر (ص) فرموده است که هر کسی که بدون داشتن دانش و مهارت پزشکی، به عنوان پزشک فعالیت کند به طبابت بپردازد و به این ترتیب باعث آسیب یا مرگ یک نفر شود، مسئول است و باید جبران خسارت کند. این نکته بر اهمیت دانش و علم پزشکی و لزوم رعایت نکات احتیاطی در این زمینه تأکید می‌کند (۲).

مواد و روش‌ها

این تحقیق پژوهشی نظری است که به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی داده‌های حاصل از گردآوری مطالب پرداخته است. منابع مورد استفاده در این تحقیق شامل کتب و مقالات ناشی از پژوهش‌های معتبر فقهی و حقوقی و بین‌رشته‌ای هستند که با بررسی کتابخانه‌ها و سایت‌ها با جستجوی هم‌زمان واژه‌های «سلامت» و «اسلام» علاوه بر حقوق اسلامی و سلامت در اسلام به آن‌ها دسترسی پیدا کرده و اطلاعات مرتبط در قالب فیش‌هایی تدوین شده و در نهایت به تنظیم و پیاده‌سازی و تحلیل آن‌ها البته با ذکر منابع و رعایت اصل امانت، پرداخته شده است.

یافته‌ها

در این بخش به بررسی تاریخ توسعه پزشکی در اسلام در دوره پیامبر اکرم (ص) و توسعه پزشکی در دوران حکومت امویان و حکومت عباسیان و همچنین ارتباط حقوق اسلامی و سلامت خواهیم پرداخت.

۱- تاریخ توسعه پزشکی در اسلام (دوره پیامبر اسلام (ص))

تشویق پیامبر (ص) برای رسیدگی به بیماری‌ها و توضیح او در مورد پیوند عبادت و سلامتی، پایه و اساس پیشرفت پزشکی را بنا نهاد. پزشکی در فرهنگ و تمدن اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (۳). مسلمانان در طول تاریخ برای پزشکی ارزش زیادی قائل بوده‌اند، به‌طوری که پزشکان مسلمان با ادغام دانش پزشکی از قرآن، سنت، و شیوه‌های پزشکی مصر، ایران، هند و یونان، اصول طب اسلامی را شکل داده‌اند. این رشته آثار ارزشمندی به بار آورده است که همچنان در حال گسترش و اصلاح است.

حضرت پیامبر، اگرچه خود به عنوان یک پزشک فعال نبوده است، اما اصول اساسی مرتبط با پزشکی را بیان کرده است (۴). او به ویژه به مردم اطراف خود هشدار داده است تا از عواملی که به انسان و محیط زیست آسیب می‌رسانند، پرهیز کنند. به عنوان مثال، او روش درمانی سوزاندن و داغ کردن بدن با قاشق داغ را ممنوع اعلام کرده است، به جز در موارد خاص و ضروری که به این کار اجازه داده است (۵). در یک حدیث از پیامبر (ص) آمده است: "شفا در سه چیز است: نوشیدن شربت عسل، انجام حجامت و داغ کردن با آتش. اما من اتم را از داغ کردن منع می‌کنم." پیامبر (ص) کشتن حیواناتی که به انسان‌ها آسیب نمی‌رسانند را ممنوع کرده است، اما کشتن حیوانات به منظور استفاده در داروسازی و مصارف درمانی، و همچنین استفاده آن‌ها در آزمایشات تحقیقاتی و پزشکی اجازه داده است. به عنوان مثال، به یک پزشک که می‌خواست قورباغه را برای ساخت دارو بکشد، اجازه داده است (۴).

حضرت محمد (ص)، استفاده از گیاهان پاک و دارای خواص شفابخش به عنوان دارو و استفاده از آن‌ها برای درمان را توصیه کرده و اما استفاده از مواد نجس و آلوده برای درمان را منع نموده است (۵). ایشان همچنین در یک حدیث دیگر فرموده‌اند: از درمان با ناپاک بپرهیزید و نیز می‌فرماید: خدای متعال درد و درمان را فرو فرستاد و برای هر دردی درمانی قرار داد، پس خود را درمان نکنید؛ ولی با حرام درمان نکنید (۲). بنابراین، او مخالف استفاده از مواد مست‌سازنده به عنوان درمان بوده و به یکی از اصحاب که اجازه درمان با مشروبات الکلی را از او خواسته بود، با گفتن "آن بیماری است"، استفاده از ماده حرام را برای درمان مناسب ندانست (۵).

حضرت پیامبر اسلام، برای پیشگیری از انتقال بیماری جذام، توصیه کرده‌اند که از نزدیک شدن به بیماران مبتلا به این بیماری اجتناب شود. یکی از اصحاب که مبتلا به جذام بود و قصد بیعت با پیامبر را داشت، پیامبر بیعت او را از دور پذیرفت (۲). درمان‌های توصیه‌شده توسط پیامبر به سادگی و آسانی قابل انجام بوده و شامل استفاده از درمان‌های طبیعی و گیاهی می‌شود. او توصیه کرده‌اند که از داروهایی که عوارض جانبی بسیاری دارند و برای انسان ناراحتی ایجاد می‌کنند، اجتناب شود و به جای آن از روش‌های سنتی و موثرتری استفاده شود. به‌عنوان مثال: پیامبر اکرم استفاده از گیاه دارویی سنای مکی را توصیه نموده است (۶). ایشان فرموده‌اند: «بر شما باد سناء مکی و خود را با سنا درمان کنید اگر چیزی مرگ را دفع کند آن سنا است». ایشان همچنین درباره درباره سیاه‌دانه می‌فرمایند: «سیاه‌دانه دارویی مؤثر در برابر بیماری‌هاست». پیامبر اکرم توصیه کرده‌اند که به بیماران با ملاحظت رفتار شود، آن‌ها را در خوردن غذا اجبار نکنند، و باید به آنچه که بیمار می‌خواهد، توجه نمایند. همچنین باید به اراده بیمار احترام گذاشته شود و نباید به او غذاهایی که نمی‌خواهد، به زور داده شود. حتی در مورد داروها نیز باید به اراده بیمار احترام گذاشته شود. این توصیه‌ها نشان می‌دهد که حضرت پیامبر به بهبودی و رفاه بیماران بسیار اهمیت می‌دهند و از روش‌هایی که ممکن است برای بیمار ناخوشایند باشد، اجتناب می‌کنند.

به خاطر نگرش پیامبر (ص) نسبت به سلامتی، پزشکی و درمان، مسلمانان این موضوع را به‌عنوان سنت قلمداد کرده‌اند و پس از درگذشت پیامبر، سعی کرده‌اند تا حد امکان احادیث مربوط به سلامتی را جمع‌آوری کنند. احادیث مربوط به پزشکی در کتاب "صحیح بخاری" به‌عنوان یک بخش مستقل آمده است. سپس این نوع روایت‌ها با نام "طب نبوی" به صورت یک کتاب مستقل تدوین شد. در دوران پیامبر، اولین فردی که عنوان پزشک را دریافت کرد، حارث بن کلد بود (۷).

اولین نمونه اسلامی از چیزی شبیه به بیمارستان‌ها به زمان پیامبر اسلام باز می‌گردد مربوط است به زمانی که زنی به نام "رفیده الاسلامیه" در جریان جنگ خندق در سال ۶۲۷ میلادی یک مرکز درمانی را در یک چادر راه‌اندازی کرد. بعداً این مفهوم از یک بیمارستان متحرک به واحدهای بزرگ و اختصاصی که در مراکز شهرها در سراسر جهان اسلام مجهز به گیاهان دارویی، داروخانه‌ها و پزشکان تمام وقت یافت می‌شدند تعمیم یافت (۸).

۲- پیشرفت پزشکی در دوران حکومت امویان

خالد بن یزید، نوه معاویه، به علم اهمیت داد و از جمله زمینه‌هایی که به آن علاقه‌مند بود، طب بود. او کتاب "الکناش فی الطب" را به زبان عربی ترجمه کرد. این ترجمه باعث شد که مسلمانان برای اولین بار با طب هندی آشنا شوند. عمر بن عبدالعزیز این کتاب را که در کتابخانه‌های شام دیده بود، در اختیار مسلمانان قرار داد. در آن دوران، پزشکانی که در خدمت خلفای اموی بودند، علاوه بر تمرین در حرفه پزشکی، کتاب‌هایی نیز می‌نوشتند. همچنین عمر بن عبدالعزیز، یک پزشک اهل انطاکیه را به حران آورد و در آنجا دانشکده طبی راه‌اندازی کرد (۳). در سال ۷۰۶ میلادی به دستور ولید بن عبدالملک بیمارستانی در دروازه دمشق برای افراد مبتلا به جذام و افراد نابینا تأسیس شد. این بیمارستان بیشتر برای قرنطینه بیماران بوده است (۶).

یکی از پزشکانی که در دوران امویان خدمت می‌کرد ابوالحکم دمشقی بود که به انواع معالجات و ادویه‌ها آگاهی کامل داشت. عیسی بن الحکم نیز طبیبی مشهور در دوران امویان بود که در زمینه داروسازی و داروشناسی ممتاز بود. زینب طبیبه بنی اود که یک پزشک زن معروف در دوره بنی امیه می‌باشد که توانایی خاصی در معالجات به‌ویژه معالجه امراض چشم داشت. همچنین عبدالملک کنانی مشهور به ابن ابجر و ماسرجویه از جمله پزشکان این دوره بودند (۳).

۳- توسعه پزشکی در دوران عباسیان

در این دوره، خاندان بختیشوع به طبابت مشغول بودند. مانند بسیاری از پزشکان زمان عباسیان، آنان نیز تحصیلات خود را در دانشگاه جندی شاپور در ایران گذرانده بودند (۹). آن‌ها با علم یونانی و فلسفه پلاتو، ارسطو، فیثاغورث و ... و نیز علم هندی آشنا بودند؛ که این آشنایی به آن‌ها در ترجمه کتب بسیاری در جندی شاپور یاری نمود. اصلیت این خانواده از اهواز، در نزدیکی جندی شاپور، بود. اما بعدها به بغداد نقل مکان کرده و سپس به نصیبین در شمال سوریه رفتند (۱۰).

پزشکان آشوری و نسطوری مسیحی بودند که از قرن ۷ تا ۹ میلادی، در شش نسل و به مدت ۲۵۰ سال در دربار خلیفه‌های مختلف عباسی طبابت می‌کردند. از پزشکان این خاندان می‌توان به: بختیشوع اول، جبرائیل اول، جورجیس، بختیشوع دوم، جبرائیل دوم، عبیدالله اول، جبرائیل سوم اشاره نمود. ابوجعفر منصور، دومین خلیفه از خلفای عباسی، جورجیس بن جبرائیل بن بختیشوع را به بغداد فراخواند، جورجیس ریاست بیمارستان جندی شاپور را به عهده داشت. همچنین هارون الرشید، پنجمین خلیفه عباسی، نوه جورجیس یعنی جبرائیل بن بختیشوع بن جورجیس را مأمور تأسیس بیمارستانی در بغداد کرد (۷).

در راستای ترجمه‌ی متون طبی در دوره‌ی عباسیان مترجمانی چون: یوحنا بن ماسویه، سهل بن شاپور کوسج، حنین بن اسحاق، سنان بن ثابت فعالیت داشتند و در حوزه پزشکی خدمات ارزنده‌ای ارائه داده‌اند. یکی از پزشکان و داروشناسان معروف دوره عباسیان ابوالحسن علی بن سهل، معروف به «ابن ربن طبری» بوده است. او در سال ۸۵۰ کتابی به نام «فردوس الحکمه» را در زمینه پزشکی نوشت. این کتاب گسترده و دارای حجم زیادی است و درباره تشخیص، درمان و روش‌های درمانی مربوط به پزشکی است و یکی از کهن‌ترین و معتبرترین آثار جامع طب اسلامی می‌باشد. علاوه بر این، او دوازده اثر در زمینه پزشکی نگاشته است. ثابت بن قره، طبیب و از مترجمان بزرگ و برجسته دربار خلفای عباسی بود. او درباره روش‌های درمانی آبله و سرخک نیز بحث کرده است (۱۰). در دوران حکومت عباسیان، بیمارستان‌های بسیاری تأسیس شد. در این دوران رشته پزشکی به مدارس اضافه شد و سپس مدارس پزشکی مستقل تأسیس شدند. همچنین در این دوره، بیمارستان‌ها در بغداد به سطح بسیار بالایی رسیدند و خدمات بهداشتی سیار نیز برای روستاها و زندان‌ها فراهم شد (۳). ابوالحسن علی بن محمد بن موسی بن فرات، وزیر شیعی مشهور خلیفه المقتدر عباسی، در سال ۹۲۳ میلادی در بغداد یک کلینیک پزشکی برای درمان و معاینه رایگان کارکنانش ایجاد کرد. همچنین حمایت‌های مالی و معنوی به پزشکان و دانشجویان پزشکی ارائه نمود. اولین بیمارستانی که در مصر تأسیس شد، بیمارستانی بود که توسط احمد ابن طولون برای نیازمندان ایجاد شد که داروخانه‌ای نیز پشت بیمارستان ساخته شد. صلاح الدین ایوبی نیز دو بیمارستان جداگانه در مصر و قاهره تأسیس کرد. در اوایل قرن چهارم هجری، بیمارستان‌هایی در مکه و مدینه نیز ساخته شدند. تا پایان دوره عباسی، کتاب‌های بسیاری در زمینه پزشکی در جهان اسلامی نگاشته شده بود. از زمان هارون رشید به بعد، تعداد پزشکان در جهان اسلامی افزایش یافت (۱۱).

علی بن عباس مجوسی از پزشکان برجسته ایرانی در قرن چهارم قمری و طبیب مخصوص دربار عضدالدوله دیلمی بود. او بیش از همه به خاطر تالیف کتابی به نام "کامل الصناعه الطبیّه" در طب شهرت دارد. او این کتاب که معروف به طب مکی بود را به زبان عربی در رشته پزشکی نگاشت. این کتاب حاوی نوشته‌های مهم پزشکی بود که دانشجویان پزشکی آن زمان بسیار به آن نیاز داشتند. او در این کتاب به مسائل طب عملی و نظری با هم پرداخته است و از بخش‌های مهم کتاب، بخشی می‌باشد که از دانش تغذیه و گیاهشناسی طبی صحبت می‌کند. او همچنین درباره دیگر مسائل پزشکی نیز مطالبی بیان داشته است. همچنین به دلیل توضیحات دقیق وی درباره دستگاه گردش خون و همچنین اهمیت رژیم غذایی و تمرینات بدنی در نگهداری از سلامت شهرت یافت (۱۲).

ابن سینا یکی از بزرگترین پزشکان تاریخ است و به‌عنوان یکی از بنیانگذاران علم پزشکی مدرن شناخته می‌شود. او آثار بسیاری را در زمینه پزشکی نوشته است. کتاب "القانون فی الطب" مهمترین و معروف‌ترین اثر ابن سینا در زمینه پزشکی است. این کتاب به‌عنوان یکی از مراجع اصلی در طب در قرون وسطی شناخته می‌شود. در این کتاب، ابن سینا به بررسی مبانی علمی پزشکی، تشریح بیماری‌ها، تشخیص و درمان آنها، طبقه‌بندی داروها و توصیف روش‌های درمانی می‌پردازد. او از روش‌های ریاضی و منطقی در تحلیل بیماری‌ها استفاده می‌کرد و رویکردی سامان‌مند و منطقی به پزشکی معرفی کرد. ابن سینا نیز به طب سنتی یونانی علاقه زیادی داشت و از آثار افلاطون و ارسطو در طب استفاده می‌کرد. او مفاهیمی مانند تئوری‌های چهار عنصر، تعادل بین دم و بلغم و صفات بدنی را به پزشکی اسلامی وارد کرد. آثار ابن سینا در زمینه پزشکی به‌طور گسترده در اروپا نیز مورد ترجمه و استفاده قرار گرفتند و تأثیر بزرگی در توسعه پزشکی داشتند. وی به‌عنوان یکی از پیشگامان پزشکی علمی و نظام‌مند شناخته می‌شود و تأثیر بسیاری بر روی تاریخ پزشکی داشته است (۱۳).

سلجوقیان در زمینه پزشکی همچون در زمینه‌های دیگر، پیشرفت‌های قابل توجهی داشتند. آن‌ها در تأمین پزشکان، ایجاد بیمارستان‌ها و تولید داروها موفقیت‌های چشمگیری داشتند. خدمات بهداشتی سلجوقیان عموماً از طریق مؤسساتی مانند بیمارستان، دارالشفاء، دارالطب، شفاخانه، دار الصحه، دار العافیه و کاروانسراها ارائه می‌شد. همچنین آموزش پزشکی در مراکزی مانند بیمارستان و دارالشفاء انجام می‌شد، نه در مدارس علمی و دینی. در بیمارستان‌ها، علاوه بر آموزش پزشکی، دروس داروسازی نیز تدریس می‌شد (۱۴). همچنین بیماران بدون تبعیض نژادی، مذهبی و ... درمان می‌شدند. در این مراکز، پزشکان بسیاری تربیت شدند و کتب مهمی نیز در آنجا تدریس می‌شدند، از کتاب‌های مهمی که در آن دوران در مدارس پزشکی مطالعه می‌شد، کتاب «المسائل فی الطب» از حنین بن اسحاق، کتاب «القانون فی الطب» از ابن سینا، کتاب‌های «منصور فی الطب» و «الحاوی فی الطب» از زکریای رازی بوده است (۱۵). سلجوقیان در مقابله با بیماری‌های واگیر، به خصوص بیماری‌هایی مانند جذام، آبله، طاعون تلاش کردند و با ارائه روش‌های درمانی موثر، موفقیت‌های قابل توجهی را به‌دست آوردند. در شهرهای مرکزی و همچنین در کاروانسراها، پزشکان سیار فعالیت می‌کردند و خدمات درمانی رایگان به مسافران ارائه می‌دادند. به‌علاوه، سلطان محمود، نوه ملکشاه، یک بیمارستان سیار را برای ارتش خود تأسیس کرد. در این دوره، شهرهای مختلفی به‌ویژه نیشابور، اصفهان، حلب، بغداد، قونیه، قیصریه، آماسیا، چانقری و ارزروم به‌عنوان مراکز بهداشتی شهرت یافتند. در دوره سلجوقیان، روش‌های درمانی با موسیقی نیز مورد توجه واقع شد (۱۶).

۴- ارتباط حقوق اسلامی و سلامت

یکی از ویژگی‌های مهم حقوق اسلام، ثابت بودن اصول آن در همه زمان‌ها و مکان‌ها است، که این امر آن را از سایر سیستم‌های حقوقی متمایز می‌کند. از این منظر، می‌توان گفت که حقوق اسلام به‌عنوان اصیل‌ترین و سازمانده‌ترین سیستم حقوقی در تاریخ حقوق شناخته می‌شود. تمام ادیان الهی به انسان‌ها

و عده داده‌اند که با قوانین و مقرراتی که در خود جای داده‌اند، به آن‌ها کمک کنند و آنها را از هرگونه ضرر و زیان محافظت نمایند. اما اگر اخلاقیات یک دین، با بازدارندگی‌های دنیوی تقویت نشود، آن وعده‌ها بی‌اثر خواهند ماند. از این دیدگاه، اصول اخلاقی و حقوقی در حقوق اسلام به وسیله مجازات‌های کیفری، بر فرد و جامعه تأثیر می‌گذارند.

حقوق اسلامی، یک رابطه مبتنی بر مهربانی و عدالت بین انسان و محیط را تأکید می‌کند. یکی از مواردی که دین اسلام به آن تأکید دارد، عدم ضرررسانی به دیگران است. قاعده لاضرر در فقه نیز همین موضوع را بیان می‌کند که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است. این موضوع برای تضمین منافع دنیوی و اخروی انسان‌ها بنا شده است. همچنین این اصل که بیان می‌کند دفع ضرر مهم‌تر از جلب منفعت است یکی از اصول اولیه کتب حقوق اسلامی است (۱۷).

در واقع تمامی حکم‌های قانونی و اخلاقی اسلامی، به‌منظور حفظ انسان از هرگونه خطر و بهبود زندگی دنیوی و اخروی او است. در حقوق اسلامی، مبانی اخلاقی برای حفظ و تأمین سلامت عقلی، روحی، جسمی و حتی مالی انسان وجود دارد. به عبارت دیگر، حقوق اسلامی تلاش می‌کند تا از تهدیدهای مختلفی که به انسان وارد می‌شود، جلوگیری کند. بنابراین، چیزهایی که در حقوق اسلامی ممنوع یا مورد تأکید قرار می‌گیرند، همگی به‌منظور حفظ انسان از بدی‌ها و رسیدن او به سعادت دنیوی و اخروی است. در این راه، حتی اگر فرد مسلمان نتواند دلیل عقلانی یا فلسفی پشت یک حکم اسلامی را درک کند، باور دارد که این حکم برای مصلحت خود اوست. جرائمی که در شرع اسلام مستلزم مجازات‌های دنیوی است، جرایمی است که به جان، مال، اعتقادات، عقل و روان افراد آسیب می‌رسانند. حفاظت از جامعه و فرد و جلوگیری از فساد از اهداف اصلی شرع است.

حقوق اسلامی مقتضیات ارزش‌های انسانی را به ترتیب اهمیت به سه بخش تقسیم می‌کند. یکی از این بخش‌ها، بخشی است که در حقوق اسلامی به نام ضروریات شناخته می‌شود. این بخش شامل حفاظت از موجودیت، صلح و نظم، حقوق اساسی و ارزش‌های مردم و جامعه است. در واقع می‌توان گفت که این بخش به‌منظور حفظ و حمایت از حیات، مال، عقل و دین انسان و ارزش‌های اوست. حفظ سلامت انسان یک ضرورت است و هرگونه خطری که سلامت انسان را تهدید نماید، بایستی برطرف شود و در صورت تجاوز به آن مجازات کیفری اعمال خواهد شد (۱۸).

بخش دوم، بخش حاجیات است. این بخش شامل مواردی است که از درجه ضروریات پایین‌تر است، اما برای یک زندگی شخصی و اجتماعی آرام و شاد و برای زندگی سالم انسان لازم است، هرچند ضروری نیستند. این موارد شامل مسافرت رفتن، خرید کردن، ازدواج کردن و در صورت لزوم جدا شدن، نیازها و ارزش‌های مربوط به روابط انسانی در زندگی اجتماعی است.

بخش سوم، بخش تحسینات است و مربوط به ارزش‌ها و اصولی است که زندگی انسان را آسان‌تر و زیباتر می‌سازد، برای انسان شادی فراهم می‌کند و برای او خوشبختی به ارمغان می‌آورد؛ بخشی که به اصول ادب و نزاکت در روابط انسانی پایبندی می‌کند.

وقتی به این سه بخشی که به نیازهای انسان مربوط است نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که هدف اصلی آن حفظ سلامتی ذهنی، جسمی و روحی انسان، تأمین نیازهای او در این زمینه و سعادت او است (۱۹). در واقع این تقسیم‌بندی در حقوق اسلامی برای حفاظت و حمایت از ارزش‌های انسان و تأمین نیازهای او در تمام جوانب زندگی تعیین شده است. اسلام در این زمینه قوانین و اصول حقوقی مورد نیاز را تعیین کرده است که این اصول محدود به زمان و مکان خاصی نیستند.

در اسلام، سلامت جسمی و روحی انسان به‌عنوان یکی از مقاصد اسلامی مطرح شده است. به‌طور کلی، اسلام به فرد توصیه می‌کند که از تمامی ابعاد سلامتی خود، از جمله سلامت جسمی، روانی و اجتماعی، مراقبت کند. در حقوق اسلام، مفاهیمی مانند حق بهداشت، حق بهره‌مندی از مراقبت‌های پزشکی، و حق بهداشت عمومی به‌عنوان حقوق اساسی انسانی تلقی می‌شوند. بر اساس این مفاهیم، دولت اسلامی مسئولیت دارد که سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای تضمین سلامت جامعه اجرا کند (۱۸).

حقوق اسلام به‌عنوان یک سیستم قانونی و اخلاقی، توجه زیادی به سلامت انسان دارد. این سیستم نه تنها به حفظ سلامت جسمی و روحی انسان توجه می‌کند بلکه به ارزش‌های اخلاقی و دینی نیز توجه دارد که در حفظ و بهبود سلامت انسان نقش بسیار مهمی دارند. همان‌طور که بیان شد در اسلام، سلامت به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین و اساسی مطرح می‌شود و به‌عنوان یکی از مقاصد اسلامی تلقی می‌شود. به‌طور کلی، سلامت در اسلام به‌عنوان یک مفهوم گسترده شامل سلامت جسمی، روحی، و اجتماعی مورد توجه است و اسلام توصیه می‌کند که فرد در همه این ابعاد برای حفظ سلامت خود و دیگران مراقبت کند. حفظ سلامت جسمی انسان به‌عنوان وظیفه‌ای مقدس واگذار شده به او تلقی می‌شود. اسلام توصیه می‌کند که فرد برای حفظ سلامت خود، از رعایت تغذیه سالم، ورزش منظم، بهداشت شخصی، و پیشگیری از بیماری‌ها اهمیت بیشتری قائل شود. در اسلام، سلامت روحی نیز به‌عنوان بخشی از سلامت کلی انسان مورد توجه است. اعتقاد به خدا، ایمان و انجام عبادات، انضباط روحی، و اخلاقیات اسلامی به‌عنوان عوامل موثر در حفظ سلامت روحی تلقی می‌شوند. همچنین اسلام به فرد توصیه می‌کند که در جامعه به تعامل مثبت، همکاری با دیگران، و حفظ ارتباطات سالم با محیط اجتماعی خود توجه داشته باشد تا از سلامت اجتماعی نیز برخوردار باشند. ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در اسلام، نقش مهمی در حفظ سلامت اجتماعی انسان دارند (۱۹).

ارتباط بین حقوق اسلامی و سلامت یک موضوع مهم در حوزه حقوق و اسلام است. حقوق اسلامی، به عنوان یک سیستم حقوقی که بر اساس اصول و مقررات دین اسلام استوار است، به مراقبت و حفظ سلامت افراد اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. طبق آموزه‌های اسلامی، حفظ سلامت بدن و روح به عنوان یک وظیفه مهم شناخته شده است.

در قرآن و سنت پیامبر اسلام، توصیه‌ها و دستوراتی درباره حفظ سلامت و بهداشت فردی و جامعه‌ای آمده است. در حقوق اسلامی، مسائلی مانند نظم غذایی، بهداشت و تمیزی، پیشگیری از بیماری‌ها، درمان و توجه به مریضان، بهداشت عمومی و دیگر مسائل مرتبط با سلامت مورد توجه قرار می‌گیرند. بر اساس اصول حقوق اسلامی، حفظ سلامت فرد و جامعه بر لزومی استوار است که در تعلیم دین اسلام بیان شده است. به علاوه، حقوق اسلامی مفهوم عدالت اجتماعی را نیز ترویج می‌دهد که شامل تأمین خدمات بهداشتی و درمانی برای همه افراد جامعه است. به عبارت دیگر، در حقوق اسلامی، دولت و نظام قانونی مسئولیت دارند تا امکان دسترسی عادلانه به خدمات سلامت را برای همه افراد فراهم کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام، به رستگاری انسان‌ها در دنیا و آخرت تمرکز کرده و برای این هدف تدابیر و توصیه‌هایی را ارائه کرده است. در این راه، سلامتی عقل، بدن و روح انسان بسیار حائز اهمیت است، انجام درست و صحیح وظایف مادی و معنوی اسلام وابسته به این مسأله است. بدون شک، سلامتی عقل، بدن و روح در خوشبختی انسان بسیار مهم است. به عملکرد صحیح وظایف مادی و معنوی که اسلام پیش‌بینی کرده است، وابسته است. اسلام به سلامت و پزشکی به عنوان جزئی از زندگی انسان توجه می‌کند و توصیه‌ها و راهنمایی‌هایی درباره حفظ سلامتی و درمان بیماری‌ها ارائه می‌دهد.

اطلاعات اولیه در مورد حفظ سلامت و درمان بیماری‌ها در قرآن و سنت مشهود است و بر حفظ سلامت و درمان در هنگام بیماری بسیار تاکید شده است. پیامبر اسلام (ص) به بیماران توصیه می‌کرد که به پزشکان مراجعه کنند و با دانستن این امر که شفا از جانب خداست، درمان لازم را انجام دهند. او خود نیز توصیه‌هایی درباره درمان برخی بیماری‌ها داده است.

پیامبر اکرم (ص) با پزشکان اطراف خود همواره مشورت می‌کرد و بیماران را به آن‌ها معرفی می‌نمود. علمای اسلام، آموزش و خدمات پزشکی و داروسازی را در محدوده واجب کفایی می‌نگریستند. با گسترش جغرافیای اسلامی با فتوحات و ورود افراد از ملل و فرهنگ‌های مختلف به اسلام، مسلمانان به دانش و شیوه‌های جدیدی در زمینه پزشکی دست یافتند، کتاب‌های پزشکی به زبان‌های مختلف را به عربی ترجمه کردند و برای تدریس این اطلاعات، دانشکده‌های پزشکی تأسیس کردند. همچنین بیمارستان‌های بسیاری توسط مسلمانان تأسیس شد تا خدمات بهداشتی و درمانی بر بیماران ارائه شود.

در قرن پنجم هجری، کتاب‌های پزشکی نوشته شده توسط علمای مسلمان برای قرن‌ها در دانشگاه‌های غربی تدریس می‌شد. بین این علمای مسلمان حنین بن اسحاق، ثابت بن قره، زکریای رازی، علی بن عباس مجوسی، ابن جزار و ابن سینا، بسیار معروف بودند.

علمای مسلمان، با آثار و تحقیقات غنی و موفق خود، تا انتهای قرن هجدهم اروپایی‌ها را تحت تأثیر قرار دادند و آن‌ها را مجذوب خود نمودند. امروزه، در حالی که پزشکی مدرن به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته است، شایسته است به این میراث غنی پزشکی اسلامی توجه شود. آموزش تاریخ پزشکی اسلامی و شناخت دانشمندان مسلمان در دانشکده‌های پزشکی کشورمان می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و علمی ما کمک کند. همچنین بهره‌گیری از طب سنتی اسلامی در کنار پزشکی مدرن، می‌تواند به ارائه راهکارهای جامع‌تر در حوزه سلامت منجر شود.

در نهایت، توسعه پزشکی در جهان اسلام نه تنها بازتابی از تعالیم انسانی و اخلاقی اسلام است، بلکه الگویی موفق از تعامل میان علم، دین و فرهنگ ارائه می‌دهد. این دستاوردها می‌توانند الهام‌بخش جوامع امروز باشند تا در مسیر هم‌افزایی میان علم و اخلاق گام بردارند و از تجربیات گذشته برای حل چالش‌های آینده بهره‌مند شوند. به این ترتیب، نقش پزشکان مسلمان در توسعه پزشکی نه تنها در گذشته بلکه در زمان حاضر نیز می‌تواند نقطه عطفی برای تلفیق سنت و مدرنیته در عرصه سلامت و درمان باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، مسائل اخلاقی به‌طور کامل رعایت شده است.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌نمایند که تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

References

1. Demirdas O. Spiritual Maturity Achieved Through Riyazet Training. *Journal of Religious Sciences Academic Research*. 2011;11(1).
2. Ibn Majah MI. *Sunan Ibn Majah*. Beirut: Dar al-Jeel; 1418 AH.
3. Zeydan C. *History of Islamic Civilization*. Translation by Zeki Megamiz. Istanbul: Ucdal Publications; 1976.
4. Abu Dawud SA. *Sunan Abu Dawud*. Beirut: Al-Asriya School; 880.
5. Al-Bukhari MI. *Sahih al-Bukhari*. Damascus: Dar al-Tooq al-Najat; 2019 AH.
6. Bakkal A. The Development of Medicine in Islamic History and Medicine in Silvan. *Harran University Faculty of Theology Journal*. 2013.
7. Bayrakdar M. *History of Science and Technology in Islam*. Ankara: TDV Publications; 2000.
8. Terzioğlu A. Bimaristan. In: *Turkish Religious Foundation Encyclopedia of Islam*. Istanbul: TDV Publications; 1992.
9. Kaya M. Bukhtishu. In: *Turkish Religious Foundation Encyclopedia of Islam*. Istanbul: TDV Publications; 1992.
10. Agirakca A. *History of Islamic Medicine (From the Beginning to the 7th/13th Century)*. Istanbul: Nobel Medical Bookstores; 2004.
11. Hunke S. *The Islamic Sun That Rose Over Europe*. Translation by Servet Sezgin. Istanbul: Kitap Yurdu. 1975.
12. Kern RA. Mosque. In: *Encyclopedia of Islam*. Istanbul. 1971.
13. Durant W. *Islamic Civilization*. Translation by Orhan Bahaeddin. Istanbul: Tuba Bookstore. 1978.
14. Aydinoglu Y. *Medical Education in the Seljuks and the Influence of Seljuk Hospitals on European Culture [Master's Thesis]*. Konya: Selcuk University, Institute of Social Sciences; 2009.
15. Kesik M. Health, Healthcare Institutions, and Medical Education in the Seljuks. *Turkish Journal of History*. 2020; 71(1): 115.
16. Bolak O. *Our Hospitals*. Istanbul: Istanbul Technical University Faculty of Architecture Publications; 1950.
17. Turkan M. The Problem of Ranking Necessities in Works Related to Maqasid al-Sharia. *Hitit University Faculty of Theology Journal*. 2018.
18. Yaman A. The Relationship Between Islamic Jurisprudence and Ethics. *Usul: Journal of Islamic Studies*. 2008.
19. Udeh A. *Comparative Islamic and Human Law*. Translated by Ruhi Ozcan and Ali Safak. Ankara: Rehber Publications; 1990.